

غزل شماره ۴۹۳

ای پادشاهِ خوبان داد از غم تنهایی
دل بی توبه جان آمد وقت است که باز آیی

دایم گل این بستان شاداب نمی ماند
دریاب ضعیفان را در وقتِ توانایی

دیشب گله‌ی زلفش با باد همی کردم
گفتا غلطی بگذر زین فکرِ سودایی

صد بادِ صبا اینجا با سلسله می رهند

این است حریف ای دل تا باد نیمایی

مشاقی و مجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بخواهد شد پایاب شکستباری

یار ببه که شاید گفت این نکته که در عالم

رخساره به کس نمود آن شاهدِ هر جای

ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست

شمشاد خرامان کن تا باغ یارایی

ای درد توام درمان در بسترماکامی

وی یاد توام مونس در گوشه‌ی تنهایی

در دایره‌ی قسمت ماقطه‌ی تسلیمیم
لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست
کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی

زین دایره‌ی مینا خونین جگرم، می ده
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی

حافظ، شب بجران شد بوی خوش وصل آمد
شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

تفسیر فال

ای که به خاطر خوبییت در کلام و رفتار زبانزد خاص و عام هستی، اکنون زمان آن فرا رسیده است که اقدام به انجام کارهای نیکو و ثواب آور نمایی. این نوع فرصت‌ها گاهی به سادگی در دسترس قرار نمی‌گیرند و باید از آن‌ها بهره‌برداری کرد. توجه بیشتری به زبردستان و کسانی که به نوعی تحت سرپرستی تو هستند، داشته باش؛ زیرا حریفانت، که شاید روزی آن‌ها را رقیب خود می‌دانستی، در حال سبقت گرفتن از تو هستند. بنابراین لازم است که با سرعت تمام، همچون باد در مسیر خود پیش بروی تا دردهایت درمان شوند و به آنچه آرزویت را داشته‌ای برسی. به یاد داشته باش که تسلیم قسمت بودن باعث می‌شود لطف خداوند بر تو نازل گردد. با این اعتقاد و امیدواری، می‌توانی به وصال آنچه دلت می‌خواهد نائل شوی. پس با قلبی شاداب و روحیه‌ای مثبت زندگی کن؛ زیرا شادی واقعی تنها زمانی حاصل می‌شود که انسان در پی اهداف والای خود باشد. شاد باش!

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)